

هشتمین همایش سالانه آسیای مرکزی و قفقاز تحت عنوان: تجربیات گذشته، چشم‌اندازهای آینده در ۲۲ و ۲۳ خرداد ۱۳۷۹ در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه برگزار شد. در این همایش بین‌المللی ۷۷ شرکت‌کننده خارجی شامل ۱۱ نفر معاونین وزیر و نماینده پارلمان از کشورهای مختلف حضور داشتند. (سایر مدعوین خارجی همایش را رؤسا، معاونین و محققان ارشد مؤسسات مطالعاتی معتبر از ۲۸ کشور، شامل منطقه آسیای مرکزی و قفقاز به اضافه کشورهای روسیه، اکراین، آلمان، لهستان، یونان، قبرس، آمریکا، نروژ، انگلستان، بلژیک، ترکیه، ژاپن، ایتالیا، پاکستان، هندوستان، چین، اسپانیا، مجارستان و بنگلادش، تشکیل می‌دادند).

متخصصان و کارشناسان ایرانی و خارجی طی پنج جلسه کاری این همایش دوازده، به ایراد سخنرانی و بحث و تبادل نظر حول پنج محور اصلی: اقتصاد و انرژی - سیاست و امنیت - فرهنگ و اجتماع - روابط منطقه‌ای و بین‌المللی - صلح، دوستی و همکاری منطقه‌ای پرداختند.

در ساعت ۹ صبح مورخ ۷۹/۳/۲۲ همایش یادشده با پیام ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران و سپس سخنرانی جناب آقای دکتر کمال خرازی وزیر محترم امور خارجه افتتاح شد.

پس از جلسه افتتاحیه، جلسه اول تحت عنوان «اقتصاد و انرژی» به ریاست

جناب آقای محمدباقر نوبخت، نماینده مجلس شورای اسلامی و رییس مرکز مطالعات اقتصاد بین‌الملل دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی برگزار شد. در این جلسه به ترتیب سخنرانانی از کشورهای ایران (نرسی قربان، کارشناس اقتصاد و انرژی) آمریکا (تامس استافر، مشاور بین‌المللی مسائل نفتی و استاد دانشگاه هاروارد) جمهوری آذربایجان (اسلام نظراف، رییس مرکز مطالعات تکنولوژی اجتماعی) هندوستان (گیری گیش پانت، استاد دانشگاه جواهر لعل نهرو) ایران (کورش فولادی، مدیرفنی برنامه درازمدت ایران) به بحث و تبادل نظر پرداختند. اهم نکاتی که در این جلسه مورد تأکید قرار گرفت، به شرح زیر می‌باشد: اکثر مسیرهای مطرح به منظور انتقال منابع انرژی کشورهای حوزه خزر به بازارهای مصرف به جز مسیر ایران از لحاظ اقتصادی و امنیتی مقرون به صرفه نیست و بیشتر به دلایل استراتژیک توسط قدرتهای بزرگ مطرح شده‌اند. اکثر این خطوط نیازمند هزینه بالای اقتصادی بوده، از مسیرهای بی‌ثبات عبور می‌کند. آمار نیز نشان می‌دهد که ذخایر نفت منطقه بسیار کمتر از مقدار اعلام شده قبلی است و صدور آن توجیه اقتصادی ندارد. جمهوری اسلامی ایران علاوه بر اینکه یک مسیر ترانزیت است؛ به عنوان بازار مصرف انرژی منطقه نیز مطرح است. این کشور قادر به جذب سالانه حدود ۷۰۰ هزار بشکه نفت خام و ۴ میلیون مترمکعب گاز از کشورهای منطقه است. برخلاف تبلیغات برخی کشورها که ایران را مسیری ناامن معرفی می‌کنند، بازار امن‌ترین مکان است. لذا تنها انتخاب ممکن انجام معاملات سوآپ، یعنی تحویل نفت به ایران در شمال و تحویل نفت ایران در مقابل در خلیج فارس است و نیازی به احداث خطوط جدید انتقال انرژی نیست. اما بعضی از سخنرانان مدعی بودند که هنوز شرایط معاملات سوآپ و مقدار وجوه دریافتی توسط ایران برای شرکتهای نفتی مشخص نشده و آنها به دولت ایران اعتماد لازم را ندارند.

حفظ محیط زیست حوزه خزر نیازمند همکاری کشورهای منطقه است. در این خصوص باید علاوه بر نگاه همه‌جانبه به مشکلات و توجه به علایق کشورها، از تجربه دریاچه آرال نیز استفاده کرد. اختلافات سیاسی، درگیریهای قومی و عدم تعیین رژیم حقوقی موجب افزایش

مشکلات زیست‌محیطی در دریای خزر شده و برای حل این مشکل لازم است مؤسسات تحقیقاتی کشورهای منطقه، همکاری‌های علمی خود را افزایش داده، کمیسیون‌هایی متشکل از اقتصاددانان، سیاستمداران و دیگر متخصصان مربوطه تشکیل دهند، تا در زمینه چگونگی بهره‌برداری از منابع طبیعی و مطابق اسناد معتبر بین‌المللی تصمیم‌گیری شود. باید از افکار عمومی جهت تأثیری‌گذاری بر پروژه‌های احداث خطوط لوله و دیگر طرح‌های نفتی استفاده کرد. تحقق طرح‌های مذکور نیازمند دریافت کمک مالی از سازمان‌های بین‌المللی است و این سازمانها در قبال مسائل زیست‌محیطی حساس هستند.

با توجه به حجم قابل توجه منابع انرژی در این منطقه، سخنرانان تأکید داشتند که همکاری‌های منطقه‌ای در باب انرژی از جمله مقدم‌ترین موضوعات برای همکاری‌های منطقه‌ای است. و در خصوص مسیرهای انتقال انرژی باید توجه داشت که تأثیرگذارهای ناشی از اعمال نظرهای سیاسی بر واقعیت‌های جغرافیایی، بیشتر در جهت تأمین منافع نیروهای خارج از منطقه خواهد بود و بر ساختارهای فضایی و اقتصادی منطقه اثراتی منفی در درازمدت برجای خواهد گذارد. جغرافیا علمی است که ملاحظات سیاسی هیچگاه نخواهد توانست آنرا نفی کند. برای شناخت هر چه بهتر این عامل، باید مزیت‌های جغرافیایی را درک کرد و به نظر می‌رسد، بدین منظور برنامه‌ریزی فضایی از کارآمدترین ابزارها باشد. با توجه به اهمیت عامل جغرافیایی برای کشورهای محصور در خشکی آسیای مرکزی و قفقاز و همچنین راهکارهای فضایی برای گسترش مشارکت آنها در اقتصاد بین‌الملل، ضرورت تهیه یک برنامه توسعه فضایی را در منطقه اجتناب‌ناپذیر می‌سازد تا به عنوان یک سند مشترک برای تبیین و تفهیم همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای به کار آید.

جلسه دوم که به موضوع سیاست و امنیت اختصاص داشت با ریاست جناب آقای غلامعلی چگینی، رییس مرکز مطالعات استراتژیک، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی تشکیل شد، در این جلسه سخنرانانی از ایران (الله کولایی، نماینده مجلس شورای اسلامی و

استاد دانشگاه تهران - عباس ملکی، رییس مؤسسه مطالعات دریای خزر) ترکیه (مصطفی آیدین، استاد دانشگاه آنکارا) روسیه (الکساندر نیکیتین، از مؤسسه دولتی روابط بین‌الملل مسکو) چین (لی گوئوفو، محقق مؤسسه مطالعات بین‌المللی چین) به تبادل نظر پرداختند. مهمترین نکاتی که در این خصوص مورد توجه قرار گرفت عبارتند از:

بعد از فروپاشی شوروی یکی از مدل‌های احتمالی برای جایگزینی الگوهای توسعه اقتصادی سوسیالیستی، مدل اسلامی بود که با توجه به سابقه تأثیر و نفوذ اسلام در این منطقه مطرح شد. اما بدنبال آن، بحث تهدید اصول‌گرایی اسلامی از طرف جمهوری اسلامی ایران در محافل تبلیغاتی دنبال شد. اما بزودی آشکار شد که ایران روابط خود را با کشورهای منطقه در چارچوب منافع متقابل اقتصادی و فرهنگی تنظیم کرده و اساساً کانون این تهدید در افغانستان و به ویژه در حاکمیت طالبان قرار دارد. پیوندهای عمیق قومی میان مردم این جمهوریها با افغانستان و حضور بیش از یک میلیون از یک، دهها هزار ترکمن و پنج میلیون تاجیک باعث شده که طالبان‌گرایی به یک تهدید اصلی تبدیل شود و تشری تحولات امنیتی از این کشور به جمهوریهای منطقه تشدید شود. اکنون تأثیر تفکر طالبان در تاجیکستان، ازبکستان و چین به خوبی مشهود است و نگرانی در مورد قاچاق مواد مخدر و قاچاق اسلحه توسط این گروه در منطقه تشدید شده است. این موضوع ضرورت اقدامات هماهنگ و مشترک علیه تهدید اسلام‌گرایی طالبان در میان کشورهای منطقه را افزایش داده است.

مسأله عدم تعیین رژیم حقوقی دریای خزر، منازعات فعال و یا منجمد در منطقه، مشکل جانشینی رهبران مسن و بعضاً بیمار کشورهای منطقه، ضعف یا محدودیت نهادهای اجتماعی و مدنی، ثروت ناشی از نفت و رقابت قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در این خصوص، وابستگی به قدرتهای بزرگ و تشکیل قطب‌بندیهای مختلف و مشکلات زیست‌محیطی در منطقه قفقاز می‌تواند باعث بروز مجدد ناآرامیهای سیاسی، اجتماعی، نظامی و افزایش ریسک سیاسی و عدم قطعیت در آینده این منطقه گردد. برای حل مشکلات یادشده،

باید به مردم این منطقه جهت ایجاد زیرساختهای بومی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کمک کرد. مهمترین عامل برای کاهش عدم قطعیت در آینده این منطقه، تلاش برای بازگرداندن جریان جامعه‌پذیری اقوام مختلف به مسیر صحیح خود است. در این جریان، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. با توجه به حضور تاریخی ایران در میان مردم قفقاز و طرز تلقی ایرانیان از مذهب و به خصوص اسلام و مسیحیت که باعث می‌گردد آذری‌ها و ارامنه در ایران در کنار هم به طور مسالمت‌آمیز زندگی کنند؛ پیشنهاد شد که برای حل مشکل بی‌ثباتی و رفع برخوردهای قومی و نژادی، علی‌الخصوص مابین اقوام قفقاز و روس تباران، از نهادی به نام روحانیت استفاده گردد. حذف نهاد مذکور در دوران شوروی موجب شد تا الگوهای خشن دیگری مانند سلفیه و وهابیت بنام اسلام توسط برخی از ماجراجویان عرضه شود و آنها جایگزین مبلغان واقعی دین، صلح و آرامش در جامعه گردند.

در زمان جنگ سرد منطقه آسیای مرکزی و قفقاز جزو مناطق درونی، دورافتاده و فراموش شده بود اما بعد از سقوط شوروی شرایط ژئوپلیتیک تغییر یافت و بازی بزرگ جدیدی کاملاً متفاوت از گذشته در منطقه شروع شد که هنوز بدرستی قواعد آن شناخته نشده است. اختلافات قومی، مذهبی، نابرابریهای اقتصادی، سیستم‌های سیاسی توتالیتر و تأثیر سیاست کشورهای فرامنطقه‌ای باعث ایجاد بی‌ثباتی و در نهایت تأخیر در توسعه اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز شده است. برای ایجاد ثبات و توسعه دموکراسی در کشورهای منطقه آقای مصطفی آیدین، استاد دانشگاه آنکارا پیشنهاد کرد که یک سازمان همکاری امنیتی همانند سازمان امنیت و همکاری اروپا در منطقه تشکیل شود.

آقای نیکیتین، طی سخنان در خصوص تجربه CIS در استفاده از نیروهای چندملیتی حافظ صلح اظهار داشت که اکنون حدود هزار سرباز روسی خارج از مرزهای روسیه در مناطق جنگی در تاجیکستان، مولداوی، آبخازیا، اوستیا و ... مشغول عملیات حفظ صلح هستند. مأموریت آنها کاملاً مطابق استانداردها و قواعد بین‌المللی است. براساس منشور ملل متحد،

سازمانهای منطقه‌ای حق دارند در هنگام بروز بحران بدون اجازه سازمان ملل و در صورتی که کشور مورد مداخله رضایت داشته باشد، رأساً اقدام به انجام عملیات حفظ صلح نمایند. روند جهانی شدن دخالت قدرتهای بزرگ در درگیریها را اجتناب‌ناپذیر ساخته و جامعه بین‌المللی در قبال حفظ صلح و امنیت بین‌المللی مسؤولیت دارد. روسیه نیز براساس اجازه سازمان کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (CIS) یا براساس توافقیهای دوجانبه، اقدام به انجام عملیات حفظ صلح کرده است. وی در توجیه ادعای خود تأکید کرد که برخی سازمانهای منطقه‌ای نظیر OSCE در قریب و آسه آن در ویتنام بدون اجازه کشور مورد مداخله، اقدام به اعزام نیروهای حافظ صلح نموده‌اند.

چین بیش از ۲۰۰۰ کیلومتر مرز مشترک با کشورهای آسیای مرکزی دارد؛ لذا تحولات این منطقه می‌تواند امنیت ملی این کشور را تحت تأثیر قرار دهد. چین به دلیل وجود سلاح‌های موجود در منطقه، درگیریهای قومی و نفوذ آمریکا علاقمند به حضور در کشورهای منطقه است و برای رسیدن به اهداف خود تلاش می‌کند تا با توسعه همکاریهای اقتصادی برای خود فرصتهایی ایجاد نماید. آسیای مرکزی نیز برای ایجاد توازن در مقال نفوذ روسیه و آمریکا، نیازمند حمایت و پشتیبانی چین می‌باشد.

جلسه سوم همایش تحت عنوان «فرهنگ و اجتماع» با ریاست جناب آقای اسحاق آل‌حبیب، معاون پژوهشی دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی آغاز شد و سخنرانانی از کشورهای ایران (شهربانو تاجبخش، مشاور اقتصادی - اجتماعی دفتر برنامه عمران ملل متحد در اسلواکی) مجارستان (ارژیت روزا، مؤسسه روابط خارجی وزارت امور خارجه) ارمنستان (آرشاویر کابوگیان، مشاور اسقف اعظم و مدیر امور بین‌المللی اچمیادزین) آمریکا (مویارا روسن حداد، محقق مؤسسه مونتری کالیفرنیا) تاجیکستان (منیره شهیدی، محقق و عضو دفتر نمایندگی سازمان امنیت و همکاری اروپا در دوشنبه) به بحث و تبادل نظر پرداختند که اهم نکات مطرح به شرح زیر می‌باشد:

UNDP در کلیه کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز نمایندگی دارد و با همکاری این کشورها هر سال گزارشهای ملی در خصوص مسائل مربوط به توسعه تهیه می‌نماید. بررسیهای روندهای اجتماعی در منطقه در ۱۰ سال گذشته بسیار بدبینانه است. انجام برنامه‌های خصوص‌سازی و بازسازی ساختارهای دولتی موجب افزایش فقر، تورم، بیکاری، فساد، جرم و جنایت، طلاق، تکدی‌گری، ترک تحصیل بین دانش‌آموزان و دانش‌جویان، عدم امنیت انسانی و اقتصادی، فاصله طبقاتی، کاهش زادوولد، کاهش طول عمر و امید به زندگی، کاهش دستمزدها و افزایش نابرابری به ویژه بین مناطق شهری و روستایی شده است. برخلاف توصیه‌های تعدیل ساختاری صندوق بین‌المللی پول به کشورهای منطقه جهت تسریع در امر خصوص‌سازی، UNDP بر تقویت نقش دولت در اداره اقتصاد، در نبود ساختارهای مدنی و اجتماعی تأکید دارد. دخالت دولت می‌تواند باعث کاهش آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی در دوران‌گذار شود و باید ساختارهای حقوقی لازم در این زمینه ایجاد گردد.

کشت و تولید بیش از ۷۰٪ مواد مخدر جهان در افغانستان و افزایش قاچاق آن به منطقه آسیای مرکزی و قفقاز موجب افزایش میزان معتادان و در نتیجه تهدید همبستگی اجتماعی در کشورهای منطقه شده است. مناطق آزاد تجاری در منطقه و وجود مرزبانان فاسد در افزایش ورود مواد مخدر به کشورهای منطقه نقش عمده‌ای داشته است. برای برخورد با پدیده قاچاق مواد مخدر سه روش امحاء محصول، جایگزینی محصول و پیشگیری وجود دارد که تلفیق استراتژی برخورد با عرضه و تقاضا در این خصوص مؤثرتر می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران حدود ۱۰ تا ۱۷٪ کشفیات مواد مخدر را به خود اختصاص داده است و برای از بین بردن سودآوری قاچاقچیان مواد مخدر لازم است ۷۰ تا ۸۰٪ مواد ترانزیتی کشف شود که این کار عملی نیست. بازیابی هویت مشترک، اولویت اساسی کشورهای منطقه است. در این راه مشکلات متعدد اقتصادی و اجتماعی وجود دارد که ناشی از مسائل دوران‌گذار است. اسلام بخشی از تاریخ و هویت کشورهای منطقه است و در زندگی روزمره مردم نقش عمده‌ای دارد؛ لذا نقش آن

در این خصوص می‌تواند تعیین‌کننده باشد. قاچاق مواد مخدر، مشکلات زیست‌محیطی، جنایات سازمان یافته، افراط‌گرایی مذهبی و دخالت قدرتهای برون منطقه‌ای جزو تهدیدات مشترک است که نیازمند همکاری بیشتر کشورهای منطقه با یکدیگر می‌باشد.

دومین روز همایش با جلسه چهارم و بحث‌های مربوط به روابط منطقه‌ای و بین‌المللی به ریاست جناب آقای سیدمحمدکاظم سجادیپور، مدیرکل دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی و سخنرانی افرادی از کشورهای ایران (مرتضی سرمدی، معاون اروپا و آمریکای وزارت امور خارجه) قرقیزستان (اسکت دوکنبایف، استاد دانشگاه آمریکایی بیشکک) آلمان (رائول موتیکا، استاد دانشگاه هایدلبرگ) قزاقستان (شریف نادراف، معاون مؤسسه مطالعات استراتژیک) ایتالیا (والریا پیاجنتینی، استاد دانشگاه کاتولیک میلان) آغاز شد که اهم نکات مورد بحث به قرار زیر می‌باشد:

تلاش اقوام منطقه قفقاز برای بازیابی هویت خود و همچنین رقابت قدرتهای بزرگ برای نفوذ در منطقه، موجب افزایش تنش و درگیری شده است. بعد از فروپاشی شوروی طرحهای متعددی در خصوص همکاریهای منطقه‌ای مطرح شد اما چون تمام کشورهای منطقه را در بر نمی‌گرفت یا در تقابل با دیگر کشورها تشکیل شده بود؛ دستاورد عمده‌ای نداشت. برای افزایش همکاری میان کشورها پیشنهاد شد که مسائل اقتصادی از سازمانهای اقتصادی جدا شود و سازمانی اقتصادی متشکل از تمام کشورهای منطقه تشکیل گردد.

روابط میان کشورها و روند همگرایی میان آنها ماحصل تغییرات کمی و کیفی در مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورها است. مشترکات فرهنگی، تاریخی، قومی، مذهبی و زبانی موجب حاکمیت ذهنیت واحد بر کشورهای منطقه آسیای مرکزی شده است. ساختارهای اقتصادی این کشورها و به خصوص سیستم مشترک حمل و نقل آنها تکمیل‌کننده یکدیگر است لذا این عاملی مهم، در روند همگرایی بیشتر این کشورها محسوب می‌شود. اما عواملی نظیر، عدم برخورداری از رشد و توسعه یکسان، نداشتن اولویتهای مشترک اقتصادی، فقدان سیستم



ارتباطی مناسب، نبود ساختار حقوقی مشترک، موجب اختلال در روند همگرایی و همکاری بیشتر کشورهای منطقه شده است که باید برای رفع آن به طور مشترک اقدام شود. پدیده جهانگرایی موجب تغییر بازیگران، تاکتیکها و مفاهیم در صحنه بین‌المللی شده است. در این وضعیت توجه به مسائل امنیتی اهمیت عمده‌ای دارد و امنیت علاوه بر بعد نظامی، ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و به طور کلی تمام خطرات که مانع پیشرفت و توسعه کشورها می‌شود را در برمی‌گیرد. امنیت، دیگر فقط نتیجه یک حرکت ملی نیست؛ بلکه یک واقعیت جمعی است و باید بازیگران ملی و منطقه‌ای در چارچوب جهانی با بازیگران فرامنطقه‌ای تعامل داشته باشند. آینده منطقه به روند تحولات در روسیه، اتحادیه اروپا، سیاست آمریکا و انجام اصلاحات سیاسی و اقتصادی در کشورهای منطقه بستگی دارد. آقای والرینا پیاجنتینی پیشنهاد کرد که برای جلوگیری از بالکانیزه شدن منطقه، لازم است، هر بازیگر جایگاه شایسته خود را درک کرده، منافع تمام کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای لحاظ شود و پیمان امنیتی متشکل از تمام کشورهای ذینفع تشکیل شود. آقای راثول موتیکا در مقابل معتقد بود که ایجاد یک سیستم امنیتی بین کشورهای منطقه و با شرکت ایران و روسیه غیرواقع بینانه است. لازم است بین کشورهای منطقه و سازمانهای فرامنطقه‌ای نظیر OSCE (سازمان امنیت و همکاری اروپا) ارتباط برقرار کرد و ضمن ایجاد توازن در منطقه منافع ایالات متحده را نیز مدنظر قرار داد. ایران نیز می‌تواند با همکاری با OSCE به تحقق ثبات در منطقه کمک نماید.

آخرین جلسه همایش به موضوع صلح، دوستی و همکاری منطقه‌ای اختصاص داشت که ریاست آن به عهده جناب آقای سیدصادق خرازی، معاون آموزش و پژوهش وزارت امور خارجه بود. در این جلسه میهمانان ویژه همایش از کشورهای ارمنستان (آرتاش تومانیان، معاون وزیر امور خارجه) گرجستان (داوید آپتیوری، معاون وزیر امور خارجه گرجستان) تاجیکستان (ابراهیم عثمان اف، رییس کمیته روابط خارجی مجلس) قزاقستان (کنستانتین سیریاشکین، رییس مؤسسه مطالعات استراتژیک) اطریش (هایده ماری‌گورر، سفیر سیار اطریش) بلژیک

(مایکل امرسون، مؤسسه مطالعات سیاسی اروپا) به ایراد سخنرانی پرداختند که اهم نکات مطروحه عبارت بود از:

قسمت عمده ساختارهای منطقه در حال حاضر تحت تأثیر روندهای جهانی و در حال تعامل با این روندها است. منطقه آسیای مرکزی و قفقاز از لحاظ داخلی دچار تضاد است و در مسیر تعامل اروپا، آمریکا، خاور دور، خاورمیانه و آسیا قرار دارد. عدم جهت‌گیری مناسب سیاسی، وجود قطب‌بندیهای متعدد سیاسی، فقدان مکانیسم‌های ثبات‌دهنده، عدم تعادل اجتماعی و فرهنگی موجب پیچیدگی مشکلات موجود در منطقه شده است. برای غلبه بر مشکلات فوق لازم است کشورهای منطقه ضمن رعایت اصل عدم مداخله و عمل براساس موازین و مقررات بین‌المللی، در چارچوب ایده‌گفتگوی تمدنهای جناب آقای خاتمی همکاریهای خود را افزایش دهند. در جلسه اختتامیه همایش، جناب آقای سیدصادق خرازی، معاون آموزش و پژوهش وزارت امور خارجه ضمن جمع‌بندی مسائل مطروحه، یکی از مهم‌ترین یافته‌های همایش را توجه به نقش و اهمیت اقتصادی ایران در منطقه دانست. وی در ادامه افزود، اهمیت ایران چه به عنوان بازار مصرف انرژی و چه به عنوان مسیر انتقال کالا و انرژی غیرقابل انکار است. اما تاکنون خصومت آمریکا با ایران، مانع استفاده کشورهای منطقه از این موهبت طبیعی شده است. وی ضمن اشاره به چالش جهانی شدن، لزوم تقویت نهادهای داخلی و انجام اصلاحات همه‌جانبه، در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز؛ افزایش همگرایی منطقه‌ای و نهادینه ساختن همکاری‌ها در چارچوب سازمانهای منطقه‌ای و به ویژه اکو را از اهم موارد دانست.

موسی‌الرضا وحیدی